

سپس گروه‌های دختران و پسران به گرم‌گفت‌وگو می‌نشینند.
چند دقیقه بعد معلم حاصل کار گروه‌ها را به این صورت
روی تخته می‌نویسد:

گروه یک: پند و اندرز، تعقل و توبه و شایسته‌ای که در مدرسه
گروه دو: جان‌مالی، تلاش و فعالیت‌های خلاقانه و نو
مدرسه
گروه سه: ورزش، ورزش‌های روزانه و مسابقات
ورزش مدرسه
گروه چهارم: نقش آموزگار و معلمان مدرسه
و دانش‌آموزان را این که نظرات طلبه

درس دوم:

طبقه‌بندی موضوع

کوچک‌تری است
یکی از نقشه‌ها
که یک موضوع کلی
پس آن را کوچک
آسان تر صورت داد
یک موضوع
همیشه اولی
کار به منظور
ماتریکسی

معلم، کلمه «مدرسه» را روی تخته کلاس نوشت و گفت: «در درس گذشته آموختیم که یکی از بخش‌های اصلی نوشته، موضوع آن است. اکنون اگر موضوع نوشته ما، «مدرسه» باشد و ما بخواهیم درباره آن چیزی بنویسیم، بهتر است، نخست، خوب به آن موضوع، بیندیشیم و با مشورت یکدیگر، آن را به بخش‌ها و اجزای کوچک‌تر تقسیم یا طبقه‌بندی کنیم».

سپس گروه‌های دانش‌آموزان، سرگرم گفت و گو شدند.

چند دقیقه بعد معلم، حاصل کار گروه‌ها را به این صورت، روی تخته نوشت:

- گروه یکم: بهداشت، نظم و انضباط مدرسه.
- گروه دوم: ساختمان، کلاس‌ها، آزمایشگاه، کتابخانه، فروشگاه مدرسه.
- گروه سوم: زمین ورزش، ابزار ورزشی، مسابقات فرهنگی - ورزشی مدرسه.
- گروه چهارم: دانش‌آموزان، معلمان، مدیر و معاونان مدرسه.

معلم، پس از اینکه نظرات طبقه‌بندی شده گروه‌ها را نوشت، گفت: دوستان خوب من، اگر بخواهیم یکباره وزنه‌ای بزرگ را برداریم، به آسانی نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم و شاید نیروی زیادی از دست بدهیم و کاری صورت نگیرد. در این گونه موقعیت‌ها، اولین گام این است که آن وزنه بزرگ را به پارچه‌های کوچک‌تری قسمت کنیم تا بار ما سبک‌تر شود.

یکی از نقشه‌های نوشتن و طبقه‌بندی ذهنی، این است که یک موضوع کلی را به موضوع‌های خردتری تقسیم کنیم؛ یعنی آن را کوچک و محدود سازیم تا طبقه‌بندی و نوشتن، آسان‌تر صورت پذیرد؛ مثلاً اگر قرار باشد، درباره «مدرسه» که یک موضوع بسیار کلی است، انشایی بنویسیم، نخست، موضوع «مدرسه» را به ریزموضوع‌ها تقسیم و طبقه‌بندی می‌کنیم؛ این کار به نظم فکری ما یاری می‌رساند. در نتیجه کار نوشتن برای ما ساده می‌شود.

♦ در نمودار زیر، ساختمان یک نوشته با موضوع کلی و موضوع‌های کوچک شده، دیده می‌شود:

موضوع کلی: مدرسه

بند مقدمه

بندهای بدنه (متن نوشته)

بند اول با موضوع محدودتر: ساختمان و معماری مدرسه

بند دوم با موضوع محدودتر: امکانات و فضای مدرسه

بند سوم با موضوع محدودتر: کیفیت آموزشی مدرسه

بند نتیجه

◆ اکنون نوشته زیر را بخوانید و به طبقه‌بندی اجزای آن، توجه کنید:

◆ مدرسه سال

سال برای هر کس یک معنا دارد. سال برای من مثل یک روز درسی در مدرسه است. یک روز درسی که چهار زنگ و چهار معلم دارد.

زنگ اول، خانم بهار با چادری گل گلی و پیراهنی سبز و روسری قرمز به کلاس می‌آید. خانم بهار حرف‌های تازه‌ای می‌زند. روی تخته طبیعت، نقاشی می‌کشد. به هر شاگردی که وارد کلاس می‌شود، گل تعارف می‌کند. با گنجشکان آواز می‌خواند، با درختان کف می‌زند. با رودخانه همراهی می‌کند. کلاس خانم بهار، اصلاً کلاس خشکی نیست.

زنگ دوم، آقای تابستان، کلاس را با لحنی گرم شروع می‌کند. او مرد بسیار خون‌گرمی است. زبان شیرینی دارد و با همه گرم می‌گیرد. آقای تابستان، موقع درس‌دادن، شوخی‌های خوشمزه‌ای می‌کند و بچه‌ها را حساسی می‌خنداند. آقای تابستان خیلی هم مهربان است. بچه‌ها را در سایه خود پناه می‌دهد و میوه‌هایش را به آنها، می‌بخشد. خلاصه، طعم درس‌های آقای تابستان تا مدت‌ها زیر زبان ما می‌ماند.

زنگ سوم، زنگ شعر است. آقای پاییز که خودش شاعر است با کوله‌باری از شعر و خاطره به کلاس می‌آید. البته او یک نقاش هم هست. خودش برای شعرهایش نقاشی می‌کشد. تمام رنگ‌هایی که او در نقاشی‌هایش به کار می‌گیرد، شاعرانه هستند. رنگ سرخ، زرد، قهوه‌ای، نارنجی، طلایی و ... پاییز، معلمی خوب و دوست داشتنی است.

زنگ آخر، خانم زمستان به کلاس می‌آید و جای آقای پاییز را می‌گیرد. تابلوی زرد پاییز را پاک و با گچ سفید، همه جا را سفیدپوش می‌کند. اگر چه زنگ آخر است و بچه‌ها خسته‌اند و بعضی هم احساس خواب‌آلودگی دارند؛ اما خانم زمستان آن قدر قشنگ درس می‌دهد که بچه‌ها خستگی و خواب را از یاد می‌برند و با خانم زمستان، هم بازی می‌شوند. درس‌ها و مشق‌های خانم زمستان اگر چه سرد و سنگین است؛ اما نوید بخش بهاری سرسبز است و بچه‌ها را در سختی‌ها پرورش می‌دهد.

زنگ آخر که می‌خورد، مدرسه سال، در سکوتی نشاط‌انگیز به انتظار می‌نشیند. خانم بهار آرام آرام از راه می‌رسد، کلاس را تحویل می‌گیرد و همه چیز دوباره شروع می‌شود، این مدرسه، هیچ‌گاه تعطیلی ندارد.

موضوع

بند مقدمه

بندهای بدنه

با موضوع :
بهار

۱

با موضوع :
تابستان

۲

با موضوع :
پاییز

۳

با موضوع :
زمستان

۴

بند نتیجه



◆ نوشته زیر را بخوانید و موضوع کلی و ریز موضوع‌های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

شگفتی‌های دنیای جانوران

در دنیا عجایب و شگفتی‌های زیادی وجود دارد. یکی از شگفتی‌های جهان خلقت، جانوران هستند. جانوران، گونه‌های مختلفی دارند.

پرنده‌گان، جانورانی هستند که پرواز می‌کنند. پر و بال برای پرنده‌گان، مهم‌ترین عضو است. پرها اگرچه ظریف‌اند، قوی نیز هستند. پر و بال پرنده‌گان که در زمان پرواز، گسترده می‌شوند، در زمان سرما، لحافی گرم و پوشنده و در وقت خطر سپری برای مخفی شدن پرنده است. برخی از پرنده‌گان، مثل تیر پرواز می‌کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می‌دهند و عده‌ای نیز در آب، شیرجه می‌زنند. شتر مرغ، بزرگ‌ترین پرنده است و نمی‌تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت است و کوچک‌ترین پرنده جهان است.

خزندگان هم موجودات عجیبی هستند. آنها به روی زمین می‌خزند. بدنشان فلس دارد و معمولاً تخم می‌گذارند. بزرگ‌ترین خزند، «کروکودیل»، به طول هفت متر و کوچک‌ترین آنها، مارمولک خانگی است که تنها ۱۸ میلی‌متر طول دارد.

آبزیان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می‌کنند. آنها به جای شش، آبشش دارند؛ به همین خاطر می‌توانند در زیر آب نفس بکشند. ماهی‌ها یکی از انواع این آبزیان هستند.

دوزیستان، جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آنها در نوزادی ابتدا آبشش دارند؛ اما به تدریج با رشد کردن، صاحب یک جفت شش می‌شوند و در خشکی، نفس می‌کشند.

این گونه‌گونی و شگفتی خلقت جانوران، یکی از نشانه‌های قدرت خداوند است و برای ما درس‌ها و حکمت‌های زیادی دارد.

♦♦ با استفاده از روش طبقه‌بندی کردن موضوع، متنی با یکی از موضوع‌های زیر بنویسید.

♦ کلاغ

♦ عینک

♦ خانه

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



◆◆◆ نوشته‌هایی را که در کلاس، خوانده شد؛ بر پایهٔ سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید.

معیارهای ارزیابی :

- ◆ طبقه‌بندی کردن موضوع نوشته
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (نوشتن بند مقدمه، نوشتن بندهای بدنه و بند نتیجه)
- ◆ پاکیزه‌نویسی.
- ◆ رعایت علائم نگارشی.
- ◆ رعایت املاي صحیح واژگان.
- ◆ شیوهٔ خواندن.

نتیجهٔ بررسی و داوری :

.....

.....

.....

.....

.....

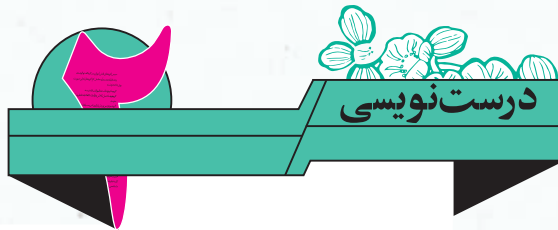
.....

.....

.....

.....

.....



- ◆ چگونه می‌توان با تمرین و تلاش، به کمال رسید؟
- ◆ آیا چگونه می‌توان با تمرین و تلاش، به کمال رسید؟

جمله دوم، نادرست است؛ زیرا به همراه کلمه پرسشی «چگونه»، نیازی به آوردن کلمه پرسش دیگر مانند «آیا» نیست. به سخن دیگر، با هم به کاربردن دو یا چند کلمه پرسش در یک جمله، روا نیست؛ اما هرکدام را به تنهایی می‌توان در جمله‌ای به کار گرفت.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ آیا مگر می‌شود؛ بی‌عشق به میهن، زندگی کرد؟

.....

- ◆ آیا چگونه است که بی‌یاد دوست، برخی خوش‌اند؟

.....

◆ نخست، اصل حکایت و شکل
گسترش یافته آن را بخوانید و با هم مقایسه
کنید

حکایت:

فردی با سپری به میدان
جنگ رفته بود. از قلعه، سنگی بر
سرش زدند و بشکستند. برنجید و
گفت: «عجب به مردمانی هستند،
سپری به این بزرگی را نمی بینند که
سنگ بر سر می زنند».

(عبید زاکانی)

ساده نویسی:

مرد جنگ جویی، با زره پولادین برتن، کلاه خود
زرین بر سر، تیردانی پر از تیر بر پشت، شمشیر
برنده ای بر کمر و سپری خیلی خیلی بزرگ در دست،
راهی میدان شد.

مرد جنگ جو که در زیر سپر پنهان شده بود،
آرام آرام به قلعه دشمن نزدیک شد. هنوز به
دروازه قلعه نرسیده بود که یکی از نگهبانان قلعه،
سنگی به طرف او پرتاب کرد. سنگ چرخید و چرخید
و محکم به کله مرد جنگ جو خورد. مرد جنگ جو
غرغریزان پا به فرار گذاشت و به میان سپاهیان خودی
بازگشت.

هم زمانش وقتی غرولندهای مرد جنگ جو را
شنیدند، از او پرسیدند: «چه شده است؟ چرا از یک
سنگ می نالی؟»

مرد جنگ جو، در حالی که دستش را روی سرش
می مالید، گفت: «از سنگ نمی نالم، از این مردمان بدجنس
می نالم که سپر به این بزرگی را ندیدند، سنگ را به
سر من زدند».

◆◆ اکنون براساس نمونه پیشین، حکایت زیر را به نثر ساده امروزی، بنویسید.

حکایت:

روزی در فصل بهاران با جمعی از دوستان، به هوای گشت و تماشای صحرا و دشت، بیرون رفتیم. چون در جایی خرم، جای گرفتیم و سفره انداختیم، سگی از دور دید و خود را نزدیک ما رسانید. یکی از دوستان، پاره سگی برداشت و آن چنان که نان پیش سگ اندازند، پیش وی انداخت. سگ، سگ را بوی کرد و بی توقف بازگشت. سگ را صدا کردند؛ اما التفات نکرد. یکی از آنان گفت: «می دانید که این سگ چه گفت؟». گفت: «این بدبختان از بخیلی و گرسنگی، سگ می خورند. از خوان و سفره ایشان چه توقع می توان داشت.»

بهارستان

ساده نویسی:

